

E. Yazdani, Ph.D

M. Touserkani, M.A

L. Jafari, M.A Student

E.mail: yazden@polt.ui.ac.ir

دکتر عنایت‌الله یزدانی، استادیار روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

مجتبی تویسرکانی، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه اصفهان

لیلا جعفری، دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

شماره مقاله: ۷۵۲

شماره صفحه پیاپی ۱۵۴۸۵-۱۵۵۱۴

تحلیلی بر ژئوپلیتیک و ژئواکونومی اوپک گازی

چکیده

اقتصاد جهانی بشدت در حال وابسته شدن به گاز طبیعی است و این منبع انرژی همچنان پیشروترین جزء تشکیل دهنده انرژی مصرفی اولیه جهان طی دهه‌های آتی خواهد بود. بنابراین، کنترل بر منابع انرژی گازی و راه‌های ترانزیت آن اکنون به یکی از ابزارهای قدرت تبدیل شده است. بر این اساس، کشورهای دارنده و تولید کننده این محصول می‌توانند از این ابزار اقتصادی برای رسیدن به اهداف سیاسی و همچنین، کسب وجهه در عرصه بین‌المللی استفاده نمایند. بنابراین، ایجاد سازمانی با حضور کشورهای صادر کننده گاز به منظور تعیین اهداف و راه‌کارهای مفید و منطقی برای به حداکثر رساندن منافعشان، امری ضروری و اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد. از این‌رو، بررسی اهداف مجمع کشورهای صادر کننده گاز و شناسایی تحولات ژئوپلیتیک و ژئواکونومی ناشی از شکل‌گیری اوپک گازی در سطوح منطقه‌ای و جهانی و تأثیر آن بر سیاست و اقتصاد کشورهای تولید کننده و مصرف کننده و نیز نقش آن در روند توزیع قدرت جهانی، هم برای کشورهای عرضه کننده و هم برای دولت‌های عمده مصرف کننده، بسیار مهم و حیاتی است.

واژه‌گان کلیدی: گاز، اوپک گازی، اوپک، مجمع کشورهای صادر کننده گاز (جکف)، ژئوپلیتیک، ژئواکونومی.

۱- مقدمه

اکنون که انرژی گازی به یکی از بزرگترین کالاهای استراتژیک در جهان تبدیل شده است، دارندگان این منبع انرژی نیز بر آنند که، از این پتانسیل برای تأثیرگذاری بر معادلات جهانی به نفع خود استفاده کنند، چراکه با توجه به اهمیت فزاینده گاز در آینده، هر کشور یا گروهی از کشورها که بتواند کنترل بازار گاز را در دست گیرد، در عرصه بین‌المللی نیز تأثیرگذار خواهد بود. از سوی دیگر، از آنجا که در حال حاضر مهمترین کارتل فعال انرژی، سازمان کشورهای صادرکننده نفت^۱ (اوپک) است، بنابراین، طبیعی است که فکر ایجاد هر اتحادیه دیگری در زمینه انرژی، با مسائل این سازمان مقایسه و ارزیابی شود؛ همچنان که از ابتدا نیز نظریه برپایی یک تشکل گازی، به جای سازمان کشورهای صادرکننده گاز^۲ (اوجک) به اوپک گازی^۳ معروف بوده است. در واقع، از دیدگاه مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی، قدرت‌یابی اوپک و افزایش قیمت‌های نفت، موجب پدید آمدن پتانسیل و انگیزه کافی در تولیدکنندگان گاز طبیعی جهان برای ایجاد یک کارتل گازی طبق الگوی اوپک بوده است.

کشورهای عمده تولید و صادرکننده گاز طبیعی، پیش از این در تهران طی سال ۲۰۰۱ میلادی اقدام به تأسیس مجمع کشورهای صادرکننده گاز^۴ (جکف) نموده بودند که تاکنون به‌عنوان تشکلی غیر رسمی و بدون اساسنامه مطرح بوده و تنها به ایفای نقش مشاوره‌ای و فنی پرداخته است؛ تا اینکه، برگزاری نشست دسامبر ۲۰۰۸ کشورهای صادرکننده گاز در مسکو و توافق بر سر اساسنامه تشکیل مجمع کشورهای صادرکننده گاز با مشارکت ۱۴ کشور بزرگ صادرکننده این محصول، جایگاه تازه‌ای را برای گاز طبیعی در سبد انرژی جهانی رقم زد.

1 - Organization of the Petroleum Exporting Countries (OPEC)

2 - Organization of the Gas Exporting Countries (OGEC)

3 - Gas OPEC

4 - Gas Exporting Countries Forum (GECF)

تحلیلی بر ژئوپلیتیک و ژئواکونومی اوپک گازی ۸۱

اینکه آیا مجمع کشورهای صادر کننده گاز می‌تواند با نقشی مشابه اوپک در صحنه جهانی ظهور کند، بر حسب عرضه و تقاضا تولید را کنترل نماید و به توزیع سهمیه میان اعضای خود بپردازد، بیش و پیش از عوامل فنی و تکنولوژیک به عرصه رقابت‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک کشورهای بزرگ تولید و مصرف کننده این منبع انرژی باز می‌گردد. ژئوپلیتیک و ژئواکونومی با ترکیب عناصر جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و عامل قدرت و ایجاد روابط متقابل میان آنها، با میزان متفاوتی از درجه تأثیرگذاری هر یک از این مؤلفه‌ها، مهمترین نقش را در چگونگی تشکیل اوجک، ساختارهای احتمالی و اهمیت و کارکرد جهانی آن خواهد داشت. از سوی دیگر، ایجاد یک اتحادیه جدید گازی با توجه به میزان نقش و اهمیت آن در کنترل بازار این محصول، تأثیر مستقیمی بر ساختار ژئوپلیتیک و ژئواکونومی جهان و نیز تغییر توزیع قدرت جهانی خواهد داشت.

۲- بیان هدف و مسأله پژوهشی

هدف از انجام این پژوهش، تبیین ژئوپلیتیک و ژئواکونومی مجمع کشورهای صادر کننده گاز (اوپک گازی) است. بر این اساس، از یک سو نقش عوامل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی در تأسیس اتحادیه جدید گازی، قابلیت‌ها، ساختارها و کارکردهای احتمالی چنین سازمانی و نیز فرصت‌ها و موانع سیاسی و اقتصادی مربوط به آن بررسی می‌گردد؛ و از سوی دیگر، به تأثیر تشکیل چنین کارتهای بر تغییرات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در عرصه جهانی و مناطق استراتژیک، همچون خاورمیانه و حوزه دریای خزر پرداخته خواهد شد. بر این اساس محور اصلی و مسأله‌ی اساسی تحقیق عبارت است از اینکه، در میان عوامل ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک تأثیرگذار و تأثیرپذیر از ناحیه تشکیل اوپک گازی، کدام یک اصلی‌ترین نقش را برعهده دارند؟

۳- فرضیه

پاسخ اولیه (فرضیه) ای که در جواب سؤال اصلی تحقیق مطرح شده، این است که: «سیاست در ترکیب و تعامل با دو عنصر جغرافیا و قدرت، اصلی‌ترین نقش را در ظهور اوجک به خود اختصاص داده، درعین حال، بیشترین تأثیر ایجاد اوجک نیز بر حوزه سیاست جهانی خواهد بود. بنابراین، در این خصوص، ژئوپلیتیک نسبت به عامل ژئواکونومی، از جایگاه برتر و بالاتری برخوردار است».

۴- روش تحقیق

این نوشتار با بهره‌گیری از رهیافت نو واقع‌گرایی، روشی توصیفی داشته، مبتنی بر استدلال و تحلیل است. به این ترتیب که در بخش یافته‌های تحقیق، عناصر و مؤلفه‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک اوجک گازی و نیز دلایل سیاسی و اقتصادی موافقان و مخالفان آن به صورت توصیفی بیان شده و تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز عمدتاً با شیوه استدلال و تحلیل کیفی انجام پذیرفته است. با توجه به ماهیت و موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اینترنتی و بهره‌گیری از منابع خبری با تکیه بر داده‌های عینی-تاریخی صورت گرفته و سعی شده است تا از معتبرترین و جدیدترین اطلاعات آماری و توصیفی مراکز مطالعاتی منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده شود.

۵- ابعاد نظری تحقیق

ژئوپلیتیک، عبارت است از مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان (Taylor, 1993, 330) و نیز شیوه قرائت و نگارش سیاست بین‌الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آنها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی (میرحیدر، ۱۳۷۷، ۲۲). از این رو، با اینکه قدرت با سیاست آمیخته بوده و در آن مستتر است، جهت تأکید بر عامل قدرت در مباحث ژئوپلیتیکی، ژئوپلیتیک را می‌توان در قالب

تحلیلی بر ژئوپلیتیک و ژئواکونومی اوپک گازی ۸۳

یک مفهوم ترکیبی تبیین نمود که در آن سه عنصر اصلی؛ یعنی جغرافیا، قدرت و سیاست دارای خصلتی ذاتی می‌باشند (حافظنیا، ۱۳۷۹، ۸۴).

بنابراین، ماهیت اصلی ژئوپلیتیک، سیاسی-امنیتی است، با این حال، از بعد اقتصادی هم نمی‌توان غافل شد؛ به همین دلیل است که ژئوپلیتیک را نمی‌توان از ژئواکونومی جدا انگاشت. فروپاشی جنگ سرد و به صحنه آمدن واژه ژئواکونومی، موجب شد تا برخی از سیاست‌پردازان کشورها از این مفهوم، تعبیر جنگ اقتصادی داشته باشند و از این طریق بر نقش اقتصاد در تحلیل سیاست دولت‌ها تأکید نمایند (پاسکال و توال، ۱۳۸۱: ۱۰۱-۱۰۲). پایه و اساس این بحث، استدلالی است که ادوارد لوت‌واک^۵ (۱۳۸۰، ۲۸۹-۲۹۸) در تقابل با ایده پایان تاریخ^۶ فوکویاما^۷ ارایه داد و در آن فرض را بر این گذاشت که پایان جنگ سرد، باعث گردیده تا از اهمیت توانایی‌های نظامی در رابطه با امور جاری دنیا به صورت مداوم کاسته و از سوی دیگر بر اهمیت موضوعات اقتصادی، تولید، تجارت و بازرگانی افزوده شود.

چنین دیدگاهی، بیان می‌دارد که این قدرت‌ها هستند که سیاست‌های اقتصادی را در فضا (نظام جهانی) اعمال و رهبری می‌کنند و بر ایند این فرآیند، ژئواکونومی است که به‌عنوان پدیده‌ای سیال برای پوشش دادن به فضای جدید رقابتی در نظام جهانی به روشی برای توجیه و تحلیل سیاست‌های جهانی اکثر قدرت‌های غربی درآمده است (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۲۵). بر این اساس، ژئواکونومی از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته و به نظر می‌رسد سیاست- که عاملی مهم در ژئوپلیتیک بود- جای خود را به اقتصاد داده است (عزتی و ویسی، ۱۳۸۵، ۲۹).

تفاوت میان تأکید بر مؤلفه‌های سیاست در ژئوپلیتیک و اقتصاد در ژئواکونومی و در عین حال، اعتقاد به پیوستگی میان سیاست و اقتصاد در تحلیل‌های ژئوپلیتیک را می‌توان به بهترین نحو از طریق تئوری ثبات هژمونیک^۸ توجیه نمود. رابرت گیلپین^۹ (۱۹۷۵) که

5 - Edward N. Lutwak

6 - The End of History

7 - Francis Fukuyama

8 - Hegemonic Stability

9 - Robert Gilpin

از نظریه پردازان تئوری ثبات هژمونیک در سطح جهانی است و در حوزه اندیشمندان نو واقع گرا جای می گیرد، بیان می دارد که در سیستم های مختلف بین المللی، زمانی ثبات و تعادل برقرار می شود که یک قدرت هژمون؛ یعنی قدرتی که دارای تفوق است، وجود داشته باشد تا بتواند نقش اداره امور را در سطح جهانی ایفا نماید. در عین حال، نظام اقتصادی بین المللی نیز، نمی تواند بدون نظم سیاسی وجود داشته باشد و این نظم را قدرت برتر یا هژمون^{۱۰} ایجاد می کند. به اعتقاد وی، اقتصاد، قلمرو خلق و توزیع ثروت و سیاست، قلمرو قدرت است. اما در عین حال، تأکید دارد که تمایز میان اقتصاد و سیاست صرفاً تمایزی تحلیلی است و در عالم واقع، ثروت و سیاست در نهایت به هم پیوسته اند. در همین راستا، کراسنر^{۱۱} (1976) از دیگر نو واقع گرایان سیاسی است که با روایتی تعدیل شده از نو واقع گرایی و با نام *واقع گرایی ساختاری*^{۱۲} به تبیین مسایل اقتصاد بین الملل می پردازد. از نظر کراسنر، آنچه به شکل اقتصاد سیاسی لیبرال بین المللی دیده می شود، نتیجه توزیع هژمونیک قدرت اقتصادی بالقوه است. در چنین نظامی، ساختار تجارت آزاد، به یک اندازه به همگان نفع نمی رساند و این دولت هژمون است که ساختار بازار آزاد را ترجیح می دهد. بر اساس این برداشت، اگر یک قدرت اقتصادی بتواند در حد کفایت بر اقتصاد بین المللی سلطه یابد، می تواند ثباتی هژمونیک ایجاد کند که سایر دولت ها را نیز به تبعیت سیاسی از آن وادار نماید (Krasner, 1981).

۶- یافته های تحقیق

اطلاعات جمع آوری شده برای پاسخ به سؤال محوری مقاله و آزمون فرضیه، در چهار بخش خلاصه شده است: ابتدا قابلیت های گاز طبیعی در جهان، ژئوپلیتیک ذخایر و ژئواکونومی تولید و مصرف آن تبیین شده، سپس، تفاوت میان بازارهای گاز و نفت و موانع بر سر راه کارآمدی مجمع گازی جدید به تصویر کشیده شده، و در نهایت،

10 - Hegemon

11 - Stephen Krasner

12 - Structural Realism

تحلیلی بر ژئوپلیتیک و ژئواکونومی اوپک گازی ۸۵

دیدگاه‌های سیاسی و اقتصادی دو گروه موافق و مخالف تشکیل کارتل گازی در سطح جهانی مطرح شده است.

۶-۱- ژئوپلیتیک و ژئواکونومی گاز طبیعی

۶-۱-۱- پراکندگی ذخایر گاز طبیعی

گاز طبیعی دارای ویژگی‌های فراوانی است که موجب برتری آن نسبت به سایر منابع انرژی می‌شود. یکی از این شاخص‌ها، میزان فراوان ذخایر اثبات شده گاز است. حجم ذخایر ثابت شده گاز طبیعی در جهان طی سه دهه گذشته تقریباً سه برابر شده است. در اول ژانویه ۲۰۰۷، ذخایر گاز دنیا به میزان ۱۸۱/۴۶ تریلیون متر مکعب تخمین زده شده است، که نسبت به سال ۲۰۰۳، ۲/۱ تریلیون متر مکعب (حدود ۱ درصد) رشد داشته است. براین اساس، در حال حاضر دنیا به مدت ۶۳/۳ سال گاز کافی برای تولید با نرخ کنونی را دارد که در مقایسه با عمر ذخایر نفتی که حدود ۴۳ سال است، از وضعیت مطلوبی برخوردار است (EIA, May 2007, 29&40). این میزان در ابتدای سده سوم میلادی، ۶۲ سال برای گاز و ۴۴ سال برای نفت پیش‌بینی شده بود (BP Amoco, 2000) (20) که نشان دهنده کاهش ذخایر نفت جهان و افزایش ذخایر گاز به نسبت تولید آنها طی ۶ سال گذشته است.

روسیه که بزرگترین دارنده ذخایر گاز دنیاست، در بازار جهانی گاز، جایگاهی شبیه عربستان در بازار نفت دارد. همچنین، کشورهای خاورمیانه با داشتن حدود ۴۰ درصد ذخایر اثبات شده گاز طبیعی، همچون نفت، نقشی مهم و مؤثر در بازار گاز دارند. در خاورمیانه، تسلط پنج کشور ساحلی خلیج فارس و عضو اوپک شامل: ایران، قطر، عربستان، امارات و کویت بر ذخایر گاز طبیعی، بیش از اشرافی است که بر نفت دارند. آنها در حالی که در مجموع ۶۰ درصد میزان ذخایر نفت قطعی جهان را در اختیار دارند (EIA, May 2007, 37)، ۳۷/۵ درصد ذخایر ثابت شده گاز را نیز در حدود ۶۸/۴ تریلیون متر مکعب در خود جای داده‌اند. البته، گاز منطقه خلیج فارس تقریباً در

کشورهای غیر مشابه با کشورهای نفت خیز متمرکز شده است. در منطقه اوراسیای مرکزی نیز روسیه به همراه قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان، بیش از ۳۰ درصد ذخایر اثبات شده گاز جهان را دارا هستند که با پیوستن ایران و قطر به جمع آنها، ۶۰ درصد از ذخایر گاز جهان در اختیار شش کشور واقع در دو منطقه مجاور خاورمیانه و آسیای مرکزی قرار خواهد گرفت. این میزان، با در نظر گرفتن منابع گازی چهار کشور آفریقایی الجزایر، مصر، لیبی و نیجریه به علاوه عربستان به ۷۰ درصد خواهد رسید.

۶-۱-۲- پتانسیل تولید و عرضه گاز طبیعی

تولید گاز طبیعی نیز همچون وضعیت ذخایر آن، از آغاز دهه ۱۹۷۰ میلادی تا کنون روندی افزایشی را طی نموده است؛ به گونه‌ای که تولید تجاری آن از حدود یک تریلیون متر مکعب در سال ۱۹۷۰ به ۲/۴۲ تریلیون متر مکعب در سال ۲۰۰۰ رسید (World Investment Report, 2005, 34). رقم تولید گاز طبیعی در سال ۲۰۰۷ نیز بیش از ۲۸۶۵ میلیارد متر مکعب بوده که ۲۱/۳ درصد آن به روسیه اختصاص داشت و به این ترتیب، این کشور همچون وضعیت ذخایر، بیشترین تولید گاز طبیعی جهان را نیز داشته است.

هفت کشور حوزه خلیج فارس و دریای خزر شامل روسیه، ایران، قطر، عربستان، امارات، ترکمنستان و قزاقستان با تولید یک تریلیون متر مکعب گاز طبیعی در سال ۲۰۰۷ (بیش از یک سوم تولید گاز جهان)، قابلیت ۹۰ سال استخراج گاز با نرخ تولید کنونی را دارند، در حالی که این میزان برای نروژ به عنوان مهمترین نماینده کشورهای غربی در میان بیست کشور بزرگ گازخیز جهان، ۳۳ سال خواهد بود.

بر اساس برآوردهای مؤسسه اطلاعات انرژی^{۱۳} (ای.آی.ای)، تولید گاز طبیعی در سراسر جهان از ۲۸۶۵ میلیارد متر مکعب کنونی به ۴۶۲۴ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید، که نرخ رشد میانگین سالانه آن ۱/۹ درصد است. در این میان، افزایش تولید در کشورهای صنعتی و عضو

13 - Energy Information Administration (EIA)

تحلیلی بر ژئوپلیتیک و ژئواکونومی اوپک گازی ۸۷

سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^{۱۴} (OECD) تنها ۱۰ درصد از رشد تولید جهانی این محصول خواهد بود و ۹۰ درصد از رشد جهانی تولید گاز را کشورهای در حال توسعه و غیر عضو OECD در کنترل خواهند داشت (EIA, May 2007, 39&43). با توجه به تمرکز ذخایر مهم گاز جهان در چند کشور خاص، صادرات این محصول به بازارهای عمده مصرف انرژی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این زمینه نیز روسیه، همچون دو شاخص میزان ذخایر و تولید گاز طبیعی، با ۲۶/۷ درصد از کل سهم صادرات جهانی گاز در سال ۲۰۰۶ در صدر قرار گرفته است.

جدول ۱: میزان ذخایر اثبات شده، تولید و صادرات گاز طبیعی بر حسب کشور و منطقه، ۲۰۰۷

(میلیارد متر مکعب)؛ میزان ذخایر بر حسب تریلیون متر مکعب محاسبه شده است

کشور/منطقه	ذخایر			تولید			صادرات		
	میزان ذخایر	درصد	عمر ذخایر (سال)	میزان تولید	درصد	نسبت به ۲۰۰۶	میزان صادرات	درصد	نسبت به ۲۰۰۶
روسیه	۴۷/۶۵	۲۶/۳	۷۷/۸	۶۱۲/۱	۲۱/۳	۲/۴	۲۱۶/۸	۲۶/۷	۴/۲
ایران	۲۸/۱۳	۱۵/۵	*	۱۰۵	۳/۷	۴/۱	۴/۳	۰/۶	۳۳
قطر	۲۵/۳۶	۱۴	*	۴۹/۵	۱/۷	۸/۱	۳/۴	۳/۴	۱۴
عربستان	۷/۰۷	۳/۹	۹۶	۷۳/۷	۲/۶	۳/۵	۰	۰	۰
امارات	۶/۰۶	۳/۳	*	۴۷/۴	۱/۶	۰/۹	۷/۵	۰/۹۳	-۷/۳
آمریکا	۵/۹۳	۳/۳	۱۱/۳	۵۲۴/۱	۱۸/۵	۲/۳	۲۲/۱	۲/۲	-۸/۹
نیجریه	۵/۲۱	۲/۹	*	۲۸/۲	۱	۲۵/۹	۱۲	۱/۴۷	-۴/۸
الجزایر	۴/۵۰	۲/۵	۵۳/۳	۸۴/۵	۲/۹	-۴/۳	۶۴/۲	۷/۹	۷/۸
ونزوئلا	۴/۳۲	۲/۴	*	۲۸۷	۱	-۱	۰	۰	۰
عراق	۳/۱۷	۱/۷	*	۳/۵	۰/۱۲	۱	۰	۰	۰
قزاقستان	۳	۱/۷	*	۳۳/۹	۰/۸	۲/۷	۷	۰/۸۷	۲
ترکمنستان	۲/۸۶	۱/۶	۴۶	۶۲/۲	۲/۲	۵/۹	۴۲	۵/۱۷	۳/۲
نروژ	۲/۸۰	۱/۶	۳۳	۸۷/۶	۳	۳/۱	۷۸/۳	۹/۶۵	۹/۶۵
اندونزی	۲/۶۳	۱/۵	۳۵/۶	۷۴	۲/۶	۰/۳	۳۷/۵	۶/۴	۲/۳
مالزی	۲/۴۸	۱/۴	۴۱/۲	۶۰/۲	۲/۱	۰/۴	۳۱/۱	۳/۸۳	۸/۷
چین	۲/۴۰	۱/۳	۴۱/۸	۵۸/۶	۲	۱۷/۲	۲/۷	۰/۳۳	-۳

14 - Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

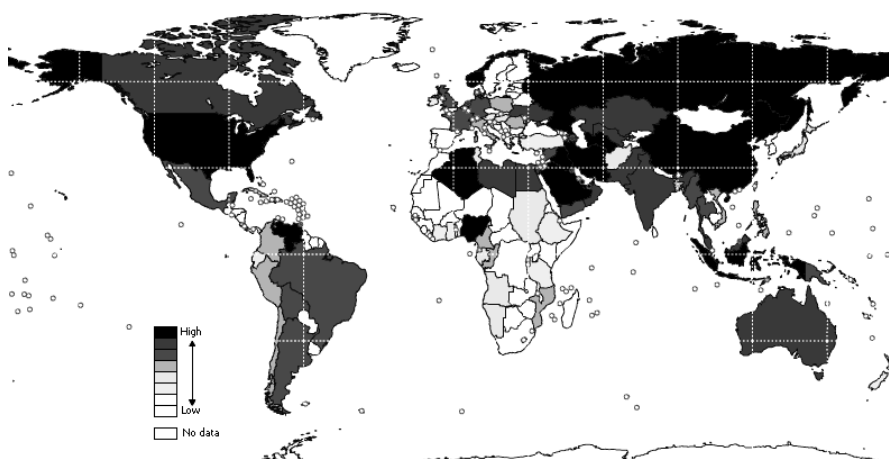
ادامه جدول ۱: میزان ذخایر اثبات شده، تولید و صادرات گاز طبیعی بر حسب کشور و منطقه، ۲۰۰۷ (میلیارد متر مکعب)؛ میزان ذخایر بر حسب تریلیون متر مکعب محاسبه شده است

کشور/منطقه	ذخایر		تولید			صادرات		نسبت به ۲۰۰۶
	میزان ذخایر	درصد	نسبت به ۲۰۰۶	درصد	میزان تولید	میزان صادرات	درصد	
مصر	۱/۹۴	۱/۱	۲۹/۳	۱/۶	۴۴/۸	۸	۰/۹۹	۳۶۰
ازبکستان	۱/۷۸	۱	۰/۸	۱/۹	۵۵/۴	۹/۷	۱/۲	۵/۲
کویت	۱/۷۸	۱	۴/۹	۰/۴	۱۲/۹	۰	۰	۰
کانادا	۱/۶۷	۰/۹	۰/۶	۶/۵	۱۸۷	۱۰۴/۲	۱۲/۸۴	۲/۱
خاورمیانه	۷۳/۴۷	۴۰/۵	۵/۸	۱۱/۷	۳۳۵/۹	۶۶/۴۳	۸/۱۹	۸/۶
اوراسیا	۵۷/۰۵	۳۱/۴	۱/۱	۲۹/۱۱	۸۳۴/۲	۲۹۰	۳۵/۷	۴/۵
آمریکای شمالی	۷/۹۸	۴/۴	۲۶/۵	۲/۳	۷۵۴/۴	۱۲۶/۳	۱۵/۵۷	۰
آمریکای لاتین	۶/۸۸	۳/۸	۴/۷	۵	۱۴۴/۵	۳۱/۲۲	۳/۸۵	۵/۳
اروپا	۵/۱۰۵	۲/۸	۱	۱۱/۰۴	۳۱۶/۶	۱۶۱/۶	۱۹/۹۳	۲/۱
آفریقا	۱۴/۱۸	۷/۸	۹/۵	۶/۳	۱۸۰/۵	۱۰۰	۱۲/۳۳	۲۰/۳
آسیا-پاسفیک	۱۴/۸۲	۸/۲	۴	۱۳/۱	۳۷/۱	۱۰۱	۱۲/۴۵	۵/۴
کل جهان	۱۸۱/۴۶	۱۰۰	۳	۱۰۰	۲۸۶۵/۳	۸۱۱	۱۰۰	۴/۸

نکته: * بیش از صد سال

منابع: (EIA, 14 Jan 2008; Oil & Gas Journal, 18 Dec 2006; EIA, May 2007; EIA, 30 Jun 2008).

شکل ۱: پراکندگی ذخایر گاز در جهان



منبع: (Oil & Gas Journal, 2003).

۳-۱-۶- تقاضای جهانی گاز طبیعی و واردات

میزان مطلق مصرف گاز طبیعی در دهه ۹۰، به رغم کاهش تقاضا در جمهوری‌های سابق شوروی به استثنای سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۷ همواره صعودی بوده است. مصرف جهانی گاز در سال ۲۰۰۰ در مقایسه با دهه ۱۹۷۰ دو برابر شده بود و بدین ترتیب، رشد مصرف آن طی این بازه زمانی، از هر منبع انرژی دیگری بیشتر بوده است؛ در حالی که مصرف نفت در این مدت تنها ۳۰ درصد رشد را نشان می‌دهد. طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۳ نیز که مصرف نفت، ۱۵/۸ درصد افزایش یافت، گاز طبیعی با ۴۸ درصد افزایش تقاضا مواجه شده بود (EIA, May 2007, 31&47). اکنون تقاضای گاز طبیعی، در جهان بالغ بر ۲۸۵۰ میلیارد متر مکعب است که ۲۲ درصد آن را ایالات متحده به مصرف می‌رساند.

پیش‌بینی می‌شود که مصرف گاز طبیعی در جهان از ۲۸۵۰ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۷ به ۵۲۱۵ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۳۰ برسد که بر این اساس، نرخ رشد سالانه آن ۲/۴ درصد خواهد بود؛ که از هر منبع دیگری بیشتر خواهد بود. به این ترتیب، سهم گاز طبیعی در سبد مصرف انرژی جهان از حدود ۲۰ درصد کنونی به ۲۵ درصد در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید (EIA, May 2007, 44). حتی؛ برخی از پیش‌بینی‌ها حاکی از این است که از سال ۲۰۳۰ به بعد، گاز طبیعی به انرژی نخست جهان تبدیل خواهد شد. برآوردهای *آژانس بین‌المللی انرژی*^{۱۵} (آی.ای.ای) نشان می‌دهد در این سال، سهم گاز طبیعی در سبد انرژی جهان به ۲۷/۲ درصد خواهد رسید و به این ترتیب، از سهم ۲۶/۰۲ درصدی نفت، فزونی خواهد یافت و این فاصله تا سال ۲۰۵۰ بیشتر نیز خواهد شد (IEA, 2003, 127-128).

پیش‌بینی کارشناسان آی.ای.ای نیز بیانگر آن است که رشد مصرف گاز در کشورهای عضو OECD طی این مدت بیش از دو برابر کشورهای غیر عضو است. بر این اساس، OECD که تولیدکننده ۴۰ درصد گاز طبیعی جهان و مصرف‌کننده ۵۲ درصد

15 - International Energy Agency (IEA)

کل تولیدات جهانی آن در سال ۲۰۰۴ بوده است، مصرف کننده ۴۳ درصد این محصول در سال ۲۰۳۰ خواهد بود؛ در حالی که تنها ۲۷ درصد از تولیدات گاز جهانی را در این سال به خود اختصاص می‌دهد. به این ترتیب، رشد تقاضای گاز در کشورهای صنعتی عضو OECD از ۲۰۰۴ تا ۲۰۳۰، سالانه ۱/۲ درصد افزایش خواهد یافت و تولید گاز طبیعی در آنها با نرخ رشد ۰/۰۴ درصد، کاهش شدیدی را نشان می‌دهد (EIA, May 2007, 45&47). بنابراین، طی دو دهه آینده، OECD در کنار کشورهایی چون هند و چین، نیازمند افزایش تصاعدی واردات گاز طبیعی خواهند بود.

جدول ۲: میزان مصرف و واردات گاز طبیعی بر حسب کشور و منطقه، ۲۰۰۷

(میلیارد متر مکعب)

کشور/منطقه	مصرف و تقاضا			واردات		
	میزان مصرف	درصد	نسبت به ۲۰۰۶	میزان واردات	درصد	نسبت به ۲۰۰۶
آمریکا	۶۱۹/۷	۲۲	-۱/۷	۱۲۲/۵۶	۱۵/۴	۱/۶
روسیه	۴۳۲/۱	۱۵/۱	۶/۷	۳۷/۵	۴	۳/۲
ایران	۱۰۵/۱	۳/۷	۲/۷	۵/۱	۰/۶	-۰/۵
کانادا	۹۶/۹	۳/۴	۵/۷	۱۰/۱۴	۱/۲	-۹/۱
انگلستان	۹۰/۸	۳/۲	-۴/۵	۱۵/۱	۱/۸	۱۲/۷
آلمان	۸۷/۲	۳	۱/۱	۹۰/۷	۱۱/۴	۲/۳
ژاپن	۸۴/۴	۳	۷	۷۷/۴	۹/۸	۳/۲
عربستان	۷۳/۷	۲/۶	۳/۵	۰	۰	۰
اوکراین	۶۶/۴	۲/۳	-۸/۸	۵۷/۰۹	۷/۱	۸/۴
چین	۵۵/۶	۱/۹	۲۱/۶	۱	۰/۱	۶/۳
مکزیک	۵۴/۱	۱/۹	۱۳/۶	۱۰/۱	۱/۲	-۹/۸
فرانسه	۴۵/۲	۱/۶	-۱/۵	۴۷/۷	۶	۰/۸
ازبکستان	۴۳/۲	۱/۵	-۱/۹	۰	۰	۰
آرژانتین	۴۱/۸	۱/۵	۳/۵	۱/۷۴	۰/۲	۱۱۷/۵
امارات	۴۱/۷	۱/۵	۱	۱/۴	۰/۱	۱۶/۷

تحلیلی بر ژئوپلیتیک و ژئواکونومی اوپک گازی ۹۱

ادامه جدول ۲: میزان مصرف و واردات گاز طبیعی بر حسب کشور و منطقه، ۲۰۰۷ (میلیارد متر مکعب)						
واردات			مصرف و تقاضا			
کشور/منطقه	درصد	میزان مصرف	کشور/منطقه	درصد	میزان مصرف	کشور/منطقه
۱۳/۵	۰/۷	۶/۲	۴/۳	۱/۳	۳۸/۳	هند
۰	۰	۰	۵/۶	۱/۴	۳۹/۶	اندونزی
۱۳/۱	۲/۱	۱۷/۳	-۳	۱/۳	۳۸/۳	هلند
۲/۷	۳/۸	۳۰/۶	۱/۴	۱/۲	۳۴/۲	کره جنوبی
۲/۳	۰/۹	۷/۶	۴/۵	۱۰/۱	۲۸۹/۳	خاورمیانه
۰/۶	۶/۵	۵۱/۷	۱/۰۳	۲۴/۰۶	۶۸۶/۰۳	اوراسیا
۰/۷	۱۶/۶	۱۳۲/۷	۰/۱	۲۷/۳	۷۷۰/۳	آمریکای شمالی
۱/۶	۲/۶	۲۸/۱۸	۳/۹	۴/۶	۱۳۰/۶	آمریکای لاتین
۶/۸	۴۹/۶	۳۵۹	۱/۱	۲۰/۲۲	۵۷۶/۶	اروپا
۰	۰/۱	۱/۳	۵/۵	۲/۶	۷۵/۸	آفریقا
۶/۴	۱۷/۶	۱۴۰/۳	۶/۵	۱۵/۳	۴۳۸/۵	آسیا-پاسفیک
۴/۸	۱۰۰	۷۹۵	۲/۵	۱۰۰	۲۸۵۰/۸	کل جهان

منابع: (EIA, 29 Jun 2008; EIA, May 2007; Oil & Gas Journal, 18 Dec 2006)

۶-۱-۴- سیستم‌های مختلف عرضه و بازار گاز جهانی

بازار تجاری گاز طبیعی در سطح جهانی، اکنون بر پایه انتقال گاز با خطوط لوله یا به صورت *ال.ان.جی*^{۱۶} و از طریق کشتی شکل گرفته است (Danesh, 1998, 42). با توجه به بالا بودن هزینه‌های لازم در صنعت LNG و نیاز به سرمایه‌گذاری اولیه سنگین در این بخش، کوشش‌های فراوانی برای کاهش سرمایه‌گذاری اولیه در طرح‌های تولید و انتقال این محصول صورت گرفته است؛ به طوری که هزینه‌های تولید *ال.ان.جی* از سال ۱۹۸۵ تا کنون حدود ۴۰ درصد کاهش داشته است (Tomas & Dawe, 2003, 1472) که ۳۰ درصد از این مقدار، طی یک دهه گذشته بوده است (Cook, 2006). علاوه بر این، کشورهایی که به *ال.ان.جی* نیاز دارند برای دریافت تقاضایشان و نیز آنهایی که

16 - Liquefied Natural Gas (LNG)

برای رشد بی‌نهایت انرژی برنامه‌ریزی می‌کنند و اغلب در زمره کشورهای صنعتی قرار دارند، برای ساختن پایانه‌های ال.ان.جی انگیزه کافی دارند.

سطح انبوه تجارت جهانی ال.ان.جی که در سال ۲۰۰۰ به رشد بی‌سابقه ۱۰ درصد رسیده بوده، با نرخ ۵ تا ۶ درصدی تاکنون ادامه داشته و نرخ رشد آن ۳/۵ برابر سریعتر از رشد انتقال گاز از طریق خط لوله بوده است (Tomberg, 2007). در سال ۹۹۵، از حدود ۳۸۸ میلیارد متر مکعب تجارت گاز در دنیا، حدود ۷۸ درصد آن از طریق خطوط لوله و ۲۲ درصد آن به صورت ال.ان.جی بوده است؛ در حالی که این میزان در سال ۲۰۰۵ به ۷۴ درصد برای حمل از طریق سنتی و ۲۶ درصد برای ال.ان.جی رسیده است (Wood, 2007, 28). پیش‌بینی می‌شود که تولید ال.ان.جی از ۱۹۳/۷ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۵ به ۳۶۰ میلیارد در سال ۲۰۱۰ و سپس به ۶۰۰ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۱۵ افزایش پیدا کند (Offredi & Others, 2008, 48) و تقاضای جهانی برای این محصول تا سال ۲۰۲۰، ۱۷۷ درصد رشد خواهد داشت (World LNG, 2004, 84). در حال حاضر، ناحیه آسیایی اقیانوس آرام با در دست داشتن بیش از ۷۵ درصد تجارت ال.ان.جی، مهمترین ناحیه به لحاظ بررسی آینده این محصول خواهد بود.

در سال ۲۰۰۷ همچنین ۵۴۹/۶۷ میلیارد متر مکعب صادرات از طریق خطوط لوله صورت گرفت که روسیه با ۱۴۷/۵۳ میلیارد متر مکعب، بیشترین سهم را در صادرات سنتی این محصول داشت و ایالات متحده با ۱۰۸/۹۰ میلیارد متر مکعب واردات، بزرگترین واردکننده گاز طبیعی از طریق خط لوله بود (BP, 2008). ایالات متحده که در مجموع تجارت جهانی گاز طبیعی نیز رتبه اول را به خود اختصاص داده است، ۹۷ درصد از نیاز واردات به گاز طبیعی را از راه خطوط لوله و از دو کشور کانادا و مکزیک تأمین می‌کند (EIA, Jun 2008).

۶-۱-۵- قیمت جهانی گاز

روش‌های مختلفی بر پایه مسایل تئوریک و نیز اصول تجارت برای قیمت‌گذاری گاز طبیعی در جهان تعریف شده است، اما در مجموع، اکنون ساختارهای تعیین قیمت گاز طبیعی، اغلب بر اساس روش‌هایی صورت می‌پذیرد که از سوی کشورهای عمده واردکننده این محصول ارایه شده است.

پس از تعیین شاخص و مبنای محاسبه گاز، پرداخت‌ها در بازار تجاری این محصول یا بر حسب هر هزار متر مکعب گاز وارداتی محاسبه می‌شود و یا بر اساس هر یک میلیون واحد بی.تی.یو.^{۱۷} (واحد حرارتی بریتانیا) که هر بی.تی.یو. معادل ۱۰۵۵ ژول انرژی است. معمولاً، پرداخت‌ها برای گاز صادراتی از طریق خط لوله بر حسب هر هزار متر (و یا فوت) مکعب، و ال.ان.جی بر حسب هر یک میلیون بی.تی.یو. صورت می‌گیرد. گفتنی است که ارزش هر میلیون بی.تی.یو. به‌طور میانگین معادل ۱۸ درصد یک بشکه نفت خام و ارزش انرژی ال.ان.جی نیز حدود ۳۹۰۰۰ واحد بی.تی.یو. برای هر متر مکعب است. بررسی پرداخت‌ها در بازار تجاری گاز جهانی نیز نشان می‌دهد که پرداخت یک دلار برای هر میلیون بی.تی.یو. تقریباً معادل با ۳۵ دلار برای هر هزار متر مکعب گاز طبیعی است.

بهای گاز اکنون در بازارهای جهانی با سطح فاحشی از اختلاف در پرداخت‌ها مواجه است. برای مثال، در حالی که ژاپن از ژانویه سال جاری میلادی به ازای هر یک میلیون بی.تی.یو. واردات ال.ان.جی از اندونزی، ۱۰ دلار و ۵۶ سنت پرداخت کرده، قیمت این محصول در بازار هنری هاب^{۱۸} تنها ۵ دلار و ۷۴ سنت برای هر میلیون بی.تی.یو. محاسبه شده است.

ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ به‌طور میانگین، ۳/۱۳ دلار برای هر هزار فوت مکعب گاز وارداتی از طریق خط لوله، و ۳/۴۱ دلار برای هر هزار فوت مکعب ال.ان.جی

17 - British Thermal Unit (BTU)

18 - Henry Hub

پرداخت نموده، که این مبلغ در سال ۲۰۰۷ به ۶/۸۳ دلار برای گاز خطوط لوله و ۷/۰۷ دلار برای ال.ان.جی افزایش پیدا کرد (EIA, Jun 2008)، اما اکنون با وجود مشتریان قدرتمند آسیایی چون ژاپن، به نظر می‌رسد قیمت‌های کمتری که سایر کشورها، بویژه آمریکا برای خرید گاز طبیعی پیشنهاد می‌کنند، بیش از این پابرجا نماند. در ابتدای سال ۲۰۰۷، ترس غربی‌ها از این بود که اجماع کشورهای صادرکننده گاز برای تشکیل سازمانی شبیه اوپک برای این محصول، قیمت گاز صادراتی به اروپا را از ۲۹۰ دلار به ازای هر هزار متر مکعب به ۴۰۰ یا ۵۰۰ دلار برساند (Kommersant, 19 Mar 2007)، در حالی که، پیش از رسمیت یافتن جکف، قیمت گاز ارسال شده به اروپا توسط شرکت گازپروم روسیه که تأمین‌کننده بیش از یک چهارم گاز مصرفی اروپاست، با رکوردی جدید به ۴۱۰ دلار در هر هزار متر مکعب رسید (RIA Novosti, 2008).

۶-۲- تفاوت میان بازار نفت و گاز

نفت، شکل مترادفی از انرژی است که براحتی در مخزنی معمولی ذخیره و حمل می‌شود. یک کشور دارنده ذخایر نفتی، می‌تواند چاهی حفر نماید، نفت تولید کند، خط لوله‌ای را به سمت یک بندر احداث کند و نفت را با بارگیری در یک تانکر به هر مشتری که بیشترین قیمت را پرداخت می‌کند، عرضه نماید. فروش بعدی نفت نیز از این طریق می‌تواند به مشتری دیگری باشد، اما پیش از حفر تمام چاه‌های گاز و نصب تأسیسات و خطوط لوله، باید مشتری یا مشتریانی پیدا کرد و قرارداد فروش با آنها را طی توافق در مورد قیمت یا فرمول قیمتی، حجم عرضه و دوره‌ای که طی آن گاز فروخته خواهد شد، منعقد کرد. یک پروژه گاز همچنین سرمایه بسیار بیشتری نسبت به پروژه‌های نفتی نیاز دارد که اغلب، توسط یک بانک یا گروهی از بانک‌ها تأمین می‌شود. بنابراین، گروه چهارمی علاوه بر تولیدکننده، خریدار و شرکت پیمانکار نیز وارد پروژه صادرات گاز می‌شود (تکین، ۱۳۸۶، ۹۱). بر این اساس، زیربنای پشتیبانی برای تولید، انتقال و توزیع گاز طبیعی به اندازه قابل ملاحظه‌ای وسیعتر و بسی گرانتر از تأسیسات

تحلیلی بر ژئوپلیتیک و ژئواکونومی اوپک گازی ۹۵

زیربنایی برای نفت است (Bahgat, 2001, 287). استحصال گاز طبیعی از مخازن گاز و انتقال آن از طریق خطوط لوله نیز اگرچه به سادگی تولید نفت است، اما این طریق سنتی صادرات گاز باعث می‌شود تا اکثر تولیدات گاز به جای آنکه در سطوح جهانی معامله شود، تنها در یک منطقه محدود به فروش برسد (Raineri & Kuflik, 2003, 35).

در استفاده از فناوری ال.ان.جی نیز، نه تنها فرآیند تبدیل گاز به مایع و انتقال آن بسیار پرهزینه است، بلکه پایانه‌های تبدیل مجدد مایع به گاز، برای تأسیس، نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلانی است که در نتیجه، کاربرد همگانی آن را برای کشورهای مصرف‌کننده غیر ممکن می‌سازد. بنابراین، انتقال گاز از محل تولید به مصرف، علاوه بر تولید آن متضمن هزینه‌های سرمایه‌گذاری سنگین، زمان‌بری‌های نسبتاً طولانی و تعهدات دراز مدت میان مصرف‌کنندگان و عرضه‌کنندگان است و برای اجرای آنها عقد قراردادهای بازپرداخت یا سهم از تولید در یک بازه‌ی زمانی طولانی (معمولاً ۲۰ تا ۲۵ سال)، به قاعده‌ای در بازار جهانی تجارت گاز طبیعی بدل شده است (IEA, 1998, 119). در این میان، تنها بخش کوچکی از گاز در بازارهای مالی و به صورت فروش فوری معامله می‌شود و بخش اعظم معاملات - چه از طریق ال.ان.جی و چه به صورت خط لوله - بر اساس قراردادهای بلند مدتی است که به طور کلی قیمت‌گذاری آنها بر اساس قیمت نفت است.

با وجود این، افزایش تقاضای گاز سبب شده است تا بازار گاز از بازار خریداران به بازار فروشندگان تبدیل شود. از این رو، اگرچه هنوز هم فروش ال.ان.جی بیشتر در قالب قراردادهای دراز مدت انجام می‌شود، اما بازارهای تک محموله و فروش فوری نیز در حال رشد هستند (MEES, 23 Jun 2008). در صورت تحقق چنین روندی، تجارت کوتاه مدت در بازار ال.ان.جی که از ۸ درصد در سال ۱۹۹۲ به ۱۰ درصد در سال ۲۰۰۲ (Ehrman, 2006, 187) و ۱۶ درصد در سال جاری میلادی رسیده است (Jensen, 2008, 53)، طی یکی دو دهه آینده رقابتی نزدیک با تجارت نفت را در بازارهای جهانی شاهد خواهد بود.

۳-۶- دیدگاه موافقان

تهران، جدتی‌ترین طرفدار ایده اوپک گازی است. این در حالی است که ایران، جزو محدود کشورهای محسوب می‌شود که اگرچه، میزان زیادی گاز طبیعی در اختیار دارد، اما از صادر کنندگان بزرگ گاز محسوب نمی‌شود. میزان واردات گاز ایران در حال حاضر، بیش از مقدار صادرات آن است و در مجموع، یک کشور واردکننده گاز به‌شمار می‌آید. علاوه بر این، بسیاری از کارشناسان بر این باورند که برای ایران، تزریق گاز به چاه‌های نفت به‌منظور ازدیاد برداشت حجم عظیمی از ذخایر نفت کشور، نسبت به صادرات این محصول در اولویت بوده و این روش، اقتصادی‌ترین گزینه برای مصرف گاز است (خبرگزاری ایسنا، ۲۵ شهریور ۱۳۸۵). حال اگر این نظر اعلام شده، توسط رییس کمیسیون انرژی مجلس هفتم شورای اسلامی که پیشتر اعلام کرده بود: «ایران تا بیست سال آینده، گازی برای صادرات نخواهد داشت» (Alexander's Gas & Oil, 2007) را بپذیریم، آنگاه باید دید هدف اصلی تهران از پیش کشیدن ایده اوپک گازی و پیگیری جدتی آن چیست؟ بسیاری از تحلیلگران در واکنش اولیه به این موضوع، بیان می‌دارند این پیشنهاد به‌جای اقتصاد، در سیاست ریشه دارد و در بهترین حالت، اهرم سیاسی-اقتصادی کشورهای عمده صاحب گاز، بویژه ایران و روسیه برای فشار بر کشورهای غربی و در رأس آنها ایالات متحده است. ایران، اکنون به چالشی فراگیر با غرب برخاسته و تهدیدات پیرامون امنیت این کشور، آن را وادار می‌سازد تا برای یافتن متحدانی قوی تلاش و اثبات کند که اهرم‌هایی برای تأثیرگذاری بر کشورهای صنعتی در اختیار دارد. این در حالی است که برخی از اقتصاد دانان و تحلیلگران به سختی می‌کوشند تا ایده تشکیل اوپک گازی را از زمینه سیاسی آن خارج کنند (Tomberg, 2007). بر همین اساس، حسین کاظم‌پور اردبیلی، عضو ایرانی هیأت مؤسس اوپک در آستانه ششمین اجلاس وزیران مجمع کشورهای صادرکننده گاز، ضمن تشریح دستور کار این نشست، بر این نکته تأکید کرد که از سخنان آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با ایگور ایوانف، نمی‌توان تعبیری به تشکیل اوپک گازی داشت. این مقام اقتصادی در ادامه بیان کرد:

تحلیلی بر ژئوپلیتیک و ژئواکونومی اوپک گازی ۹۷

«ممکن است یک نماینده مجلس، یک روزنامه‌نگار، یک شخصیت سیاسی و یا هر فرد دیگری در اظهارنظرهای خود در این باره، نسبت به طرح مقوله اوپک گازی که یک غلط مصطلح است، انتظاراتی را در افکار عمومی ایجاد کرده باشد که کار ما برآورده کردن این توقعات نیست (خبرگزاری مهر، ۱۸ فرورین ۱۳۸۶)، اما در مقابل، حمیدرضا بابایی، عضو کمیسیون امنیت ملی و از اعضای هیأت رئیسه مجلس هفتم، همچون بسیاری دیگر از سیاستمداران کشور، اوپک گازی را ایده‌ای می‌داند که موجب خواهد شد تا کشورهای عضو، در مشترکات دیگر نیز با یکدیگر ارتباط مستحکم‌تری برقرار کنند. به عقیده وی، «در حال حاضر در تمامی زمینه‌ها از جمله اقتصادی، فرهنگی و نظامی، اوپک‌های مخصوص خود را می‌بینیم که از سوی غرب- آن‌هم علیه مسلمانان- تشکیل شده است» و اکنون «کشورهای تولیدکننده گاز می‌توانند در کنار یکدیگر و با استفاده از پتانسیل‌های موجود در عرصه سیاست خارجی نیز نقش بسزایی ایفا کنند» بابایی ادامه می‌دهد که «اگر کشورهای مسلمان امروز تلاش نکنند و اوپک گازی را تشکیل ندهند، باید مطمئن باشند که غرب به سرکردگی آمریکا، از این موضوع علیه ایران و تمامی کشورهای اسلامی استفاده خواهد کرد. پس، داشتن اوپک گازی برای ما یک اضطرار است و نه یک انتخاب.» (خبرگزاری مهر، ۱۱ بهمن ۱۳۸۵).

روسیه نیز همچون ایران علاقه‌مند است که اهرم ژئوپلیتیکی گاز را در مقابل رقبای غربی در مناطقی که با انرژی، کار زیادی را می‌توان پیش برد، به کار گیرد. رویکرد روسیه در این مسیر تدریجی است. مسکو، هرگز آشکارا برای تشکیل یک کارتل گازی اشتیاق نشان نداده، اما همیشه منتظر چنین فرصتی بوده است (Cohen, 2007). روسیه به‌عنوان بزرگترین عرضه‌کننده گاز در دنیا اکنون بخوبی راه ترساندن غربی‌ها را فراگرفته است و با توجه به سیاست‌هایش در قبال آمریکا و برتری مسکو نسبت به واشنگتن از لحاظ دارا بودن ذخایر انرژی، به‌نظر می‌رسد این کشور در تلاش است تا با تشکیل یک کارتل گازی، به‌نوعی این برتری را به رخ آمریکا بکشد (Escobar, 2007). همچنین اوپک گازی می‌تواند این امکان را برای روسیه فراهم آورد که هر

شرایطی را در امر صدور و قیمت‌گذاری گاز صادراتی‌اش، به اروپایی‌ها دیکته کند؛ امری که وابستگی اقتصادی اتحادیه اروپا را به اراده‌ی سیاسی مسکو تا حدّ زیادی افزایش خواهد داد (Kommersant, 19 Mar 2007)، اما هرگونه پاسخ روشن روسیه در این خصوص، به‌طور مستقیم بر وضعیت ژئوپلیتیکی نیروها در جهان تأثیر می‌گذارد و به‌نظر می‌رسد که روسیه هنوز برای چنین وضعیتی آمادگی لازم را در خود نمی‌بیند. بنابراین اراده‌ی سیاسی اعضا را باید تنها ابزار مفقود برای محقق ساختن ساختاری برای مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز در حدّ و اندازه‌ی اوپک به‌حساب آورد (Tomberg, 2007). در آمریکای لاتین و در حیات خلوت ایالات متحده نیز، آرژانتین و بولیوی در کنار ونزوئلا، از مخالفان واشنگتن و حامیان سیاسی جمهوری اسلامی ایران، حمایت جدّی خود را از ایجاد ساختاری همچون اوپک، برای این مجمع اعلام داشته‌اند (Quioc, 2007). *رافائل رامیرز*^{۱۹}، وزیر انرژی ونزوئلا پس از تصویب اساسنامه‌ی جکف و رسمیت یافتن آن، با بیان اینکه در تشکیل مجمع کشورهای صادرکننده‌ی گاز از اوپک الهام گرفته شده است، افزود: «ما این مجمع را فرصتی می‌دانیم تا سازمانی قویتر بر مبنای همان اصولی که به ایجاد اوپک منجر شد، تأسیس کنیم.» (Daily Times, 24 Dec 2008).

۶-۴- دیدگاه مخالفان

هرگونه حرکتی که بتواند همکاری رسمی کشورهای عمده‌ی تولیدکننده‌ی گاز را در پی داشته باشد، قطعاً با چالش‌ها و مخالفت‌های کشورهای عمده‌ی مصرف‌کننده و نیز برخی از تولیدکنندگان اصلی مواجه خواهد شد. به‌طور کلی، مخالفان تشکیل اوپک گازی و تقویت جکف را می‌توان به دو بخش تولیدکنندگان عمده‌ی گاز و مصرف‌کنندگان محصولات گازی تقسیم کرد که تولیدکنندگان، خود در دو دسته‌ی تولیدکنندگان عمده‌ی گاز و تولیدکنندگان وابسته به کشورهای غرب جای می‌گیرند. تولیدکنندگان بزرگ محصولات گازی - که در حال حاضر سهم عمده‌ای از بازار جهانی گاز را در اختیار

19 - Rafael Ramirez

تحلیلی بر ژئوپلیتیک و ژئواکونومی اوپک گازی ۹۹

دارند- با شکل‌گیری اوپک گازی، احتمال محدود شدن تولید آنها نیز وجود دارد. مخالفت این دسته از کشورها که روسیه و اندونزی را در خود جای داده است، در واقع، به دلیل حجم بالای تولیداتشان در شرایط موجود، صلاح خویش را در شکل‌گیری اوپک گازی نمی‌بینند. برای مثال، برای روسیه که میزان تولید و صادرات گاز این کشور هر ساله رو به افزایش است، به نظر نمی‌رسد که در عمل، نفع اقتصادی چندانی حداقل در کوتاه مدت در قبال تشکیل یک کارتل گازی به دست آید. تولید کنندگان وابسته به کشورهای غربی نیز، کشورهایی هستند که عمدتاً وابستگی شدیدی به غرب دارند و مطابق خواست این کشورها- که مصرف کنندگان بزرگ گاز طبیعی هستند- رفتار می‌کنند و هرچند شکل‌گیری چنین سازمانی را خواست خود می‌دانند، اما در عمل، مطابق با نظر غرب جلو می‌روند (دریابار، ۱۳۸۶). در این راستا، الجزیره وارد شدن به اوپک گازی که در نهایت مشتریان اروپایی الجزایر را آشفته می‌کند، به نفع خود نمی‌بیند. قطر نیز، که در سال‌های اخیر سخت کوشیده است تا روابط راهبردی قوی با ایالات متحده برقرار کند، وارد شدن به این کارتل را به طور اجتناب‌ناپذیری موجب تضعیف این رابطه می‌داند. از همین رو، وزیر نفت قطر و معاون نخست‌وزیر این کشور، با اینکه همواره از همکاری کشورهای تولیدکننده گاز صحبت به میان آورده است (Johnson, 2008, 1)، اما در نهایت، تشکیل سازمانی همانند اوپک، از سوی کشورهای صادرکننده گاز را به بهانه ماهیت طولانی مدت قراردادهای گازی، غیر ممکن می‌داند و در مجموع، با تشکیل اوپک گازی مخالف است (Vemprala, 2008).

غرب بر این باور است که در شرایط نوین جهانی، گاز در سیاست خارجی روسیه همان نقشی را ایفا می‌کند که ایدئولوژی در زمان اتحاد جماهیر شوروی سابق برعهده داشت (Escobar, 2007). بنابراین، از نظر سیاستمداران غربی، یک بازار گاز تجزیه شده، می‌تواند مانع شکل‌گیری اوپک گازی روسی-ایرانی باشد (Connolly, 2007)، اما واقعیت این است که طرح تشکیل اوپک گازی میان قدرت‌های بزرگ گاز طبیعی جهان مطرح گردیده که از نظر سیاسی، مستقل از آمریکا و حتی، مخالف سیاست‌های یک‌جانبه واشنگتن هستند. روسیه، ایران و ونزوئلا که از اعضای اصلی

جکف هستند، رابطه سیاسی مناسبی با آمریکا ندارند و کاخ سفید برای جلوگیری از اجرای طرح تأسیس یک کارتل گازی، هرگز نمی‌تواند از نفوذ و قدرت این کشورها استفاده کند (Daly, 2007). کشورهای غربی از این واژه بهره‌مندند که ایران و روسیه اگر در زمینه سیاست‌های انرژی هماهنگی بیشتری پیدا کنند، خواهند توانست در دنیا حرف اول را بزنند و در مذاکرات سیاسی نقش ارزنده‌تری را پیدا کنند. آنها به‌خوبی می‌دانند که تشکیل اوپک گازی از نظر اقتصادی و سیاسی برای ایران و روسیه منافی دارد و قدرت چانه‌زنی‌های سیاسی هر دو کشور را در سطح بین‌المللی بالا خواهد برد. این در حالی است که ایران و روسیه به زعم نویسنده روسی روزنامه معتبر کامرسنت^{۲۰}، تا سال ۲۰۱۲ در زمینه صادرات گاز با یکدیگر رقابت نخواهند داشت و در این مدت، کارتل گازی می‌تواند به‌عنوان ائتلافی برای اهداف سیاسی تشکیل شود (Kommersant, 30 Jan 2007).

۷- تجزیه و تحلیل

اکنون که وزن ژئوپلیتیکی نفت تا حد زیادی تثبیت گشته، مسیر تحولات احتمالی مربوط به آن و آرایش سیاسی نیروهای تأثیرگذار بر این منبع انرژی - که به‌نفع غرب در جریان است - مشخص گردیده است، قدرتی توان اثرگذاری عمیق بر مناسبات بین‌المللی را خواهد داشت که ضمن کنترل شریان‌های نفتی، بر کانون‌های تولید و مسیر عرضه گاز طبیعی نیز چیرگی داشته باشد. این در حالی است که انحصار ذخایر، تولید و صادرات گاز طبیعی در حده نفت و حتی، قویتر از آن است و بازیگران بزرگ عرضه تولید و صادرات این محصول، به‌تنهایی و یا طی یک همکاری دو یا چندجانبه نیز از توان بالای چانه‌زنی برخوردارند، بویژه در زمینه ذخایر گاز طبیعی که در مقایسه با نفت، در دست تعداد کمتری از کشورهاست و بنابراین، در این زمینه با تمرکز سلطه بیشتری مواجه است.

کشورهای حوزه خلیج فارس و دریای خزر، در مجموع نزدیک به یک سوم از تولیدات گاز طبیعی جهان و بازار صادرات این محصول را در اختیار دارند و این در حالی است که بیش از دو سوم ذخایر گاز دنیا در این دو منطقه واقع شده است. بر این اساس،

تحلیلی بر ژئوپلیتیک و ژئواکونومی اوپک گازی ۱۰۱

با در کنار هم قرار گرفتن دو منطقه حساس و استراتژیک خلیج فارس و دریای خزر، به‌عنوان کانون‌های دو منطقه ژئوپلیتیکی خاورمیانه و اوراسیای مرکزی، بیشترین منابع نفت و گاز جهان در یک ناحیه بیضی شکل در امتداد شمال به جنوب ایران متمرکز شده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت همان گروه از کشورهایی که نفت دنیا را در اختیار دارند، اکثر منابع گاز جهان را نیز کنترل می‌نمایند. در این میان، کشورهای خاورمیانه همچون نفت، اما به میزان کمتری، دارای نقشی مهم و قابل ملاحظه در بازار گاز جهان هستند. این در حالی است که اکنون با توجه به نقش کلیدی انرژی در جهان و نیز، اینکه بازار گاز امروزه همچون نفت در حال تبدیل به یک بازار جهانی است و از نظر عرضه و تقاضا بسیار شبیه نفت است، تلاش کشورهای بزرگ تولید و صادر کننده گاز مبنی بر ایجاد نقطه مشترکی برای همکاری‌های خود ضروری به‌نظر می‌رسد.

با وجود این، شرایط بازار گاز طبیعی از برخی لحاظ متفاوت با نفت است. گاز، به دلیل ماهیت خود به یک رشته بازارهای منطقه‌ای تقسیم شده است؛ به این صورت که نظر به هزینه‌های بالای انتقال آن، اکثر تولیدات گازی به‌جای آنکه به بازارهای دور دست صادر شوند، در منطقه محدودی داد و ستد می‌شوند. از این‌رو، قیمت آنها نیز به‌صورت منطقه‌ای تعیین می‌شود که این وضعیت، بازار گاز را دچار پراکندگی ساخته است. از سوی دیگر، تجارت گاز معمولاً مبتنی بر قراردادهای دراز مدت میان تولید کننده و مشتری صورت می‌گیرد؛ حتی در خصوص ال.ان.جی نیز که از لحاظ حمل و نقل تا حدودی شبیه نفت است، به دلیل ضرورت سرمایه‌گذاری سنگین در این بخش و نرخ بالای بهره در آن، بازار صادرات توسط خریدارانی کنترل می‌شود که قدرتشان بیشتر از تولید کنندگان است؛ در حالی که قیمت آن در هر منطقه چندان تفاوتی با گاز انتقالی از طریق خط لوله ندارد. بنابراین، کاملاً برخلاف نظر بسیاری از سیاستمداران و تحلیلگران غربی، که مشکلات فرا روی بازار گاز و صادرات این محصولات را مانعی بر سر راه تشکیل سازمانی قدرتمند متشکل از کشورهای تولید کننده گاز طبیعی به‌شمار می‌آورند و برخی از صاحب‌نظران در کشورهای تولید کننده نیز خواسته یا ناخواسته بدان دامن

می‌زنند- وجود این گونه موانع خود دلیل و انگیزه محکمی است که ضرورت ایجاد چنین کارتلی جهت سازماندهی تولید، عرضه و بازار محصولات گاز طبیعی را اجتناب ناپذیر می‌سازد. اکنون نیز، پس از گذشت سالها از تشکیل مجمع غیر رسمی کشورهای صادرکننده گاز، کشورهای دارنده ذخایر مهم گاز جهان با مشاهده موفقیت اوپک در کنترل بازار نفت، این سؤال را مطرح می‌کنند که آیا سازمان مشابهی خواهد توانست بازار گاز طبیعی را سامان دهد؟ از این رو، در مقایسه با اوپک، سازمان کشورهای صادرکننده گاز، اوپک گازی خوانده می‌شود که این اصطلاح علاوه بر یادآوری اوپک، بار معنایی خاص خود را دارد. بنابراین، اصطلاح اوپک گازی، بیش از یک مفهوم اقتصادی است و دارای یک وزن سیاسی است. اگرچه اوپک در بدو تأسیس از سرخوردگی اقتصادی کشورهای عمده صاحب نفت که از واقعیت غارت منابع نفتی خود رنج می‌بردند نشأت گرفت، اما تحریم نفتی اعراب در برابر غرب در جریان جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل، بعد جدیدی را به این کارتل بخشید و پس از آن بود که اوپک پا به دنیای سیاست جهانی نهاد.

در مقایسه با اوپک، اوپک در حالی از سوی کشورهای عمده صاحب گاز و به ترغیب ایران، بی‌جا تشخیص داده می‌شود، که از زمان شکل‌گیری ساختارهای اولیه جکف تا کنون، میزان تقاضا برای گاز در جهان افزایش یافته و با افزایش قیمت نفت و تأثیر آن بر قیمت‌های گاز، توازن قدرت از سمت خریداران به طرف فروشندگان در حال تغییر است. تا جایی که این پدیده خود به عاملی بدل گشته تا برخی از اعضا، نیازی به ایجاد سازمانی جدید جهت هماهنگی و همکاری بیشتر و سهمیه‌بندی تولید و عرضه گاز طبیعی به منظور بهره‌مندی بیشتر از مزایای صادرات آن نمی‌بینند. بر این اساس، اگرچه سهمیه‌های گاز در شرایط مصرف کنترل نشده، نه تنها مانعی برای توسعه بازار گاز نیست، بلکه می‌تواند از طریق بالا بردن قیمت، به همان میزان سود صادرات عاید کشورهای تولیدکننده نماید، اما هنوز هم نظر اکثر کشورهای عضو جکف بر تقویت ساختارهای این مجمع است و نه تشکیل کارتلی قدرتمند برای گاز طبیعی همچون اوپک.

تحلیلی بر ژئوپلیتیک و ژئواکونومی اوپک گازی ۱۰۳

بنابراین؛ اگر طرح ایده تشکیل اوپک گازی از سوی مقامات جمهوری اسلامی ایران و حمایت دولتمردان روسی از آنرا، طرحی از سوی کشورهای مخالف با روند توسعه طلبی‌های غرب و ابزاری برای اثرگذاری بر معادلات سیاست بین‌المللی تلقی کنیم، چندان دور از واقع نخواهد بود. ایده تشکیل اوپک گازی بیشتر یک پروژه سیاسی است تا یک راهکار صرفاً اقتصادی. اوپک گازی بشدت مورد حمایت روسیه است که با توجه به شواهد عینی، توجه این کشور به مجمع کشورهای صادره کننده گاز از زمان طرح ایده اوپک گازی افزایش چشم‌گیری داشته است.

در حالی که طی بیش از یک قرن، انرژی و سیاست درهم تنیده و آشکارا به‌عنوان یک نیروی واحد در محیط بین‌المللی عمل کرده است، از نظر ایران و روسیه، تشکیل اوجک می‌تواند موقعیت استراتژیک دو کشور را در عرصه جهانی تقویت کرده و قدرت مانور بیشتری را به آنها ببخشد. تهران و مسکو که از یک سو مخالف توسعه هژمونی غرب در جهان هستند و از سوی دیگر، نزدیک به نیمی از ذخایر گاز جهان را در اختیار دارند، اکنون مترصد فرصتی هستند تا با کنترل بازار گاز جهان، مانع تحقق یافتن اهداف سلطه‌جویانه کشورهای غربی و در رأس آنها ایالات متحده شوند. روسیه در صدد است تا با توانایی کنترل عرضه گاز به اروپا، مجدداً به‌عنوان یک ابرقدرت ظاهر شود. استفاده مسکو از گاز طبیعی به‌عنوان یک ابزار سیاست، از تمایل آن به داشتن یک کارتل حکایت دارد و این در حالی است که موفقیت اوجک نیز مشروط به عضویت روسیه در آن است. بدون حضور روسیه، اوجک همچون اوپک قادر به کنترل بازار گاز نخواهد بود.

در حالی که بخش بزرگی از منابع انرژی جهان، از جمله نفت و گاز در انحصار و تسلط واشنگتن است، روسیه قصد دارد تا با تعقیب ایده اوپک گازی و گسترش همگرایی حاصل از آن در میان اعضای جکف، این سازمان را در آینده به یک جریان قوی در برابر غرب و آمریکا تبدیل نماید. تفکری که جمهوری اسلامی ایران نیز بشدت از آن استقبال کرده، آنرا دنبال می‌نماید؛ هدف کلی روسیه از همکاری با کشورهای

کوچک و متوسط و قدرت‌های منطقه‌ای، همچون ایران در تأسیس اوجک این است که وزن ژئوپلیتیکی خود را در تعامل با قدرت‌های فرا منطقه‌ای افزایش دهد. هدف ایران نیز از طرح و پی‌گیری جدی موضوع اوپک گازی و همکاری استراتژیک با قدرتی همچون روسیه در این مسیر، افزایش وابستگی ژئوپلیتیکی غرب به این کشور و خروج از انزوای ژئوپلیتیکی ناخواسته‌ای است که بدان دچار شده است. تلاش روسیه برای تشکیل اوپک گازی، بخشی از استراتژی کلان و اعلام نشده مسکو علیه واشنگتن است. تکذیب مقامات روسی و ایرانی از داشتن طرحی برای تشکیل اوپک گازی نیز می‌تواند در قالب اعلامیه‌هایی تفسیر شود که این کشورها برای کم رنگ کردن نگرانی غربی‌ها و مصرف کنندگان عمده گاز طبیعی نسبت به ایجاد یک کارتل جدید انرژی صادر می‌کنند که البته، طبق معمول در عرصه معادلات سیاسی و استراتژیک، اهداف اعمالی بسیار مهمتر از اهداف اعلانی است. از این‌رو، در نهایت، تصمیم نهایی در خصوص تشکیل و چگونگی ساختارهای اوجک، اقدامی سیاسی توسط رهبران کشورهای صادر کننده گاز و بویژه دو قدرت بزرگ گازی جهان؛ یعنی روسیه و ایران خواهد بود. در این خصوص، توافق واقعی آن چیزی خواهد بود که در مذاکرات دیپلماتیک رهبران کشورها به دست می‌آید و نه طی جلسات کارشناسی و حتی در سطح وزیران که به محاسبه سود و زیان اقتصادی طرح می‌پردازند.

اوجک می‌تواند کنترل اقتصاد سیاسی بین‌الملل را که اکنون به میزان زیادی در انحصار ایالات متحده است، از دست این کشور و متحدان غربی‌اش خارج سازد تا باعث نشود که جریان منافع یکسره رهسپار واشنگتن شود. غرب، از اتحاد استراتژیک ایران و روسیه طی یک کارتل گازی که می‌تواند پیوند ژئوپلیتیک و نیز ژئواکونومیک مستحکمی را میان دو منطقه حساس و استراتژیک خاورمیانه و اوراسیای مرکزی ایجاد کند، در هراس است، چراکه این دو منطقه علاوه بر دارا بودن بخش بزرگی از ذخایر انرژی جهان، نقطه حساسی از سیستم جهانی را تشکیل می‌دهند؛ به گونه‌ای که تسلط بر آن، از سوی هر قدرتی یا ائتلافی از قدرت‌ها، کنترل سیستم آینده جهانی از سوی آن

تحلیلی بر ژئوپلیتیک و ژئواکونومی اوپک گازی ۱۰۵

قدرت را در پی خواهد داشت. بنابراین، واشنگتن و اتحادیه اروپا همه تلاش خود را برای تضعیف قدرت و کارآیی جکف به کار خواهند بست، تا چنین فرصتی برای رقبا حاصل نشود.

ایالات متحده بی شک همچون گذشته با برقراری ارتباط و نفوذ سیاسی بیشتر بر روی اعضای جکف که روابط نزدیکی با غرب دارند و تحریک آنها علیه یک سلطه روسی-ایرانی بر این سازمان، بر آن خواهد بود تا از شکل‌گیری یک اوپک گازی قدرتمند جلوگیری کند؛ چراکه هژمونی ایالات متحده در سطح جهانی بسته به این است که از شکل‌گیری هر قدرت رقیبی که توانایی به‌چالش کشیدن ثبات دلخواه این کشور را داشته باشد، جلوگیری کند. در این مسیر، واشنگتن احتمالاً پکن و دهلی‌نو را نیز که در کنار اعضای OECD از وارد کنندگان عمده‌ی گاز طی دهه‌های آتی خواهند بود، به کمک خواهد طلبید، اما از آنجا که سران هند و چین نیز به واقعیت رقابت‌های سیاسی موجود در جریان ایجاد اوپک پی‌برده و نیز چندان دل‌خوشی از رهبری ایالات متحده بر سیاست‌های جهانی ندارند، کمک‌چندانی برای غرب نخواهند بود؛ همچنان که اکنون کمترین مخالفت‌ها با تشکیل اوپک در میان مصرف‌کنندگان عمده گاز، از طرف این دو کشور صورت پذیرفته است.

۸- نتیجه‌گیری

گاز یک کالای استراتژیک در جهان است و دارندگان منابع گازی می‌توانند از این کالا برای تأثیرگذاری بر معادلات سیاسی و اقتصادی جهان به‌نفع خود استفاده کنند. گسترش تکنولوژی تبدیل ذخایر گاز طبیعی استخراج شده به گاز طبیعی مایع قابل حمل، فرصت عظیمی را ایجاد می‌کند که گاز به‌عنوان ابزار مناسب جهانی بتواند بازار خوبی در سراسر جهان برای خود ایجاد کند. این وضعیت، ضریب تأثیرگذاری کشورهای دارنده عمده ذخایر گاز جهان بویژه ایران و روسیه را در عرصه سیاست جهانی افزایش خواهد داد. بنابراین، در حالی که برخی از کارشناسان اقتصادی کشورهای تولیدکننده گاز تلاش

دارند تا ایده اوپک گازی را از زمینه سیاسی آن خارج کنند، مناسبترین تحلیل برای این پدیده، در چارچوب نظریه‌های سیاسی و به‌طور مشخص تئوری ثبات هژمونیک و واکنش قدرت‌های غیر همسو با غرب در برابر آن، قابل تحلیل است. بر این اساس، شکل‌گیری یک کارتل گازی با حضور کشورهای بزرگ تولید کننده گاز را می‌توان از منظر مخالفت این کشورها و بویژه جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه با طرح ثبات هژمونیک مورد نظر غرب به رهبری ایالات متحده ارزیابی کرد. طبق رویکرد ثبات هژمونیک، ایالات متحده از شکل‌گیری هر قدرتی که بتواند در آینده کنترل اقتصاد سیاسی بین‌الملل را از دست واشنگتن خارج سازد، به‌سختی مبارزه خواهد کرد.

این در حالی است که ایجاد اوجک، دو قدرت ایران و روسیه را به دو بازیگر اصلی در سطح بین‌المللی تبدیل خواهد کرد که این وضعیت، نادیده انگاشتن نقش تهران و مسکو را در حل مسائل سیاسی و استراتژیک جهانی از سوی غرب ناممکن خواهد ساخت. اراده سیاسی اعضای احتمالی، مهمترین ابزار برای تحقق ایده اوپک گازی است. از این منظر، واضح است که روسیه امروزه ناگزیر است تا بخشی از انحصار خود و احتمالاً مقداری از سودش را با متحدان آینده خود در اوپک گازی شریک شود تا طبق یک تحلیل واقع‌گرایانه از سیاست بین‌الملل، بعضی چیزها را از دست داده باشد تا همه چیز را از دست ندهد. در نهایت اینکه، اوجک نیز همچون اوپک، یک انحصار واقعی نخواهد بود، بنابراین، حتی در صورت عدم همراهی قدرت‌های گازی همسو با غرب، روسیه قادر است تا با حضور ایران و برخی از اعضای جکف و جمهوری‌های واقع در آسیای مرکزی، کارتلی را به‌وجود آورد که همچون اوپک، بیشترین میزان ذخایر، تولید و صادرات را طی دهه‌های آینده در دست داشته باشد.

منابع و مأخذ

۱. پاسکال، لورو و فرانسوا توال. (۱۳۸۱). *کلیدهای ژئوپلیتیک*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲. تکین، منوچهر. (۱۳۸۶). «وپک گازی»، *فصلنامه مطالعات انرژی*، سال چهارم، شماره ۱۳، تابستان، صص ۸۸-۹۵.
۳. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۷۹). «تعریفی نو از ژئوپلیتیک»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۵۸ و ۵۹، پاییز و زمستان، مقاله شماره ۴۸۸، صص ۷۱-۸۷ (۱۰۲۰۹-۱۰۲۲۶).

تحلیلی بر ژئوپلیتیک و ژئواکونومی اوپک گازی ۱۰۷

۴. خبرگزاری ایسنا. (۲۵ شهریور ۱۳۸۵). اگر با تزریق گاز مانع از نابودی ۶۵ میلیارد بشکه نفت نشویم آیندگان ما را همچون قرداد داری محکوم می کنند، از:

<http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-906593&Lang=P>

۵. خبرگزاری مهر. (۱۱ بهمن ۱۳۸۵). «چشم انداز "اوپک گازی" و دیدگاه کارشناسان: اوپک گازی به ایران نقش تعیین کننده جهانی خواهد داد / تشکیل اوپک گازی یک اضطرار است نه انتخاب»، از:

<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=441877>

۶. خبرگزاری مهر (۱۸ فرورین ۱۳۸۶)؛ دستور کار ششمین اجلاس مجمع کشورهای صادرکننده گاز تشریح شد / ایران خواستار نقش فعال تر روسیه در مجمع کشورهای صادرکننده گاز شده است، از:

<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=466762>

۷. دربار، سیاوش. (۱۳۸۵/۱/۱۵). «تجارت گاز در انتظار سازماندهی جهانی»، خبرگزاری شانا، از:

<http://www.shana.ir/99652-fa.html>

۸. طباطبایی، زهرا. (۱۳۸۳). تحلیل ژئوپلیتیکی مسیرهای انتقال انرژی دریای خزر، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، به راهنمایی پیروز مجتهدزاده، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

۹. عزتی، عزت الله و هادی ویسی. (۱۳۸۵). «تحلیل ژئوپلیتیک و ژئواکونومی خط لوله گاز ایران-هند»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره ۲، تابستان، صص ۲۷-۴۵.

۱۰. لوت واک، ادوارد. (۱۳۸۰). «از ژئوپلیتیک تا ژئواکونومی: منطق مناقشه، دستورالعمل تجارت»، اندیشه های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، ترجمه محمدرضا حافظنیا و هاشم نصیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، صص: ۲۸۹-۳۰۲ (اقتباس از منابع ملی -۱۹۹۰).

۱۱. میرحیدر، دره. (۱۳۷۷). «ژئوپلیتیک: ارائه تعریفی جدید»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵۱ زمستان، مقاله شماره ۴۴، صص ۳-۲۳ (۹۲۴۳-۹۲۶۳).

12. Alexander's Gas & Oil Connections(2007); Vol. 10, No. 2, 26 May, available at: <http://gasandoil.com/goc/news/ntm52119.htm>

13. Bahgat, G(2001); "The Geopolitics of Natural Gas in Asia", *OPEC Review*, Vol. 25, No. 3, Sep, PP 273-290.

14. BP Amoco(2000); *Statistical Review of World Energy 2000*, London: Group Media & Publications.

15. BP(2008); "Natural Gas Trade Movements 2007 Pipeline", available at: http://www.bp.com/liveassets/bp_internet/globalbp/globalbp_uk_english/reports_and_publications/statistical_energy_review_2008/STAGING/local_assets/downloads/pdf/gas_table_of_natural_gas_trade_movements_by_pipeline_2008.pdf

16. Cohen, A(2007); "Gas OPEC: A Stealthy Cartel Emerges", *WebMemo*, No. 1423, 12 Apr, available at: http://www.heritage.org/research/energyandenvironment/upload/wm_1423.pdf

17. Connolly, M(2007); "EuroLinks Daily View: Fragmented Market Would Hamper A Russian-Iranian 'Gas OPEC'", *Wall Street Journal (Eastern edition)*, 2 Feb.

18. Cook, L(2006); "LNG and the Global Gas Market", *Engineer Live*, 12 Dec, available at: <http://www.engineertive.com/international-oil-and-gas-engineer/opinion/14574/lng-and-the-global-gas-market.shtml>

19. *Daily Times*(24 Dec 2008); "Gas forum shares OPEC's principle", available at: http://www.dailytimes.com.pk/default.asp?page=2008/12/24/story_24-12-2008_pg5_15

20. Daly, C. K(2007); "A Future Natural Gas Cartel", *spacedaily*, 2 Aug, available at: http://www.spacedaily.com/reports/A_Future_Natural_Gas_Cartel_999.html

21. Danesh, A(1998); *PVT and Phase Behavior of Petroleum Reservoir Fluids*, London: Elsevier Science B.V.

22. Ehrman, M(2006); "Competition is a Sin: An Evaluation of the Formation and Effects of Natural Gas OPEC", *Energy Law Journal*, Vol. 27, No. 1, PP 175-204.

23. *EIA*(14 Jan 2008); International Natural Gas Reserves and Resources, available at: <http://www.eia.doe.gov/emeu/international/gasreserves.html>

24. *EIA*(29 Jun 2008); International Natural Gas Consumption, available at: <http://www.eia.doe.gov/emeu/international/gasconsumption.html>

25. *EIA*(30 Jun 2008); International Natural Gas Production, available at: <http://www.eia.doe.gov/emeu/international/gasproduction.html>

26. *EIA*(Jun 2008); "U.S. natural gas imports by country", available at: http://tonto.eia.doe.gov/dnav/ng/ng_move_imp_c_sl_m.htm

27. *EIA*(May 2007); International Energy Outlook, May, available at: [www.eia.doe.gov/oiat/ieo/pdf/0484\(2007\).pdf](http://www.eia.doe.gov/oiat/ieo/pdf/0484(2007).pdf)

28. Escobar, P(2007); "Who profits from a gas OPEC?", *Asia Times*, 11 Apr, available at: http://www.atimes.com/atimes/Global_Economy/ID11Dj01.html

29. Gilpin, S(1975); *US Power and Multinational Corporation*, New York: Basic Books.

30. *IEA*(1998); "Caspian, Oil and Gas", Paris: OECD Publication.

31. IEA(2003); **Energy to 2050; Scenarios for a Sustainable Future**. Washington D.C: OECD
32. Jensen, J. T.(2008); "Global LNG trade to 2020 marked by uncertainty", **Oil & Gas Journal**, Vol. 106, No. 8, Feb, PP 49-55.
33. Johnson, A. E.(2008); "Gas exporters set to hold 'gas Opec' talks", **Financial Times**, 25 Jan, P 1.
34. **Kommersant**(19 Mar 2007); Cartel in the Cards, available at: http://www.kommersant.com/p750962/gas_OPEC_Russia_Algeria_Doha/
35. **Kommersant**(30 Jan 2007); "Energy Jihad: Iran's Ayatollah Khamenei Surprises Russia with "Gas OPEC" Proposal", available at: http://www.kommersant.com/p737992/Iran_Gas_OPEC/
36. Krasner, S(1976); "State Power and the Structure of International Trade", **World Politics**, Vol. 28, No. 3, Apr, PP 317-347.
37. Krasner, S(1981); "Structural Causes and Regime Consequence", **International Organization**, Vol. 36, No. 2, PP 1-21.
38. MEES(23 Jun 2008); "All Eyes On Jiddah Producer/Consumer Summit", **Middle East Economic Survey**, Vol. LI, No. 25.
39. Offredi, M. & Others(2008); "PIPIP technology aids LNG transfer", **Oil & Gas Journal**, Vol. 106, No. 20, May, PP 46-49.
40. **Oil & Gas Journal**(18 Dec 2006); Vol. 104, No. 47.
41. **Oil & Gas Journal**(2003); Worldwide Report, 22 Dec.
42. Quioc, G(2007); Les exportateurs de gaz cherchent à s'entendre, **Le Figaro**, 15 Oct, available at: http://www.lefigaro.fr/economie/20070409.FIG000000199_les_exportateurs_de_gaz_cherchent_a_s_entendre.html
43. Raineri, R. B. & A.T. Kufflik(2003); Secondary market and futures market for the provision of gas pipeline transportation capacity. **The Energy Journal**. Vol. 23, No. 1, PP 23-48.
44. **RIA Novosti**(2008); Gazprom gas price to Europe hits \$410 per 1,000 cu m – CEO, 10 May, available at: <http://en.rian.ru/business/20080610/109834595.html>
45. Taylor, P. J(1993); **Political Geography of the Twentieth Century**. London: Belhaven Press.
46. Tomas, S. & R. A. Dawe(2003); "Review of Ways to Transport Natural Gas Energy from Countries Which do Not Need the Gas for Domestic Use", **Energy**, Vol. 28, No. 14, Nov, PP 1461-1477.
47. Tomberg, I(2007); "Gas OPEC: economic advantages and political drawbacks", **Russian News & Information Agency**, Feb 1, available at: <http://en.rian.ru/analysis/20070201/60049415.html>
48. Vemprala, S(2008); "A Gas OPEC: Inching Towards Reality?", **Institute For Gulf Affairs**, 20 Feb, available at: http://www.gulfinstiute.org/artman/publish/issues_energy/A_Gas_OPEC_Inching_Towards_Reality_99.shtml
49. Wood, D(2007); "Could a Future Gas OPEC Shape LNG Import Plans?", **Oil & Gas Journal**, Vol. 105, No. 20, May, PP 22-30.
50. **World Investment Report**(2005); "New York and Geneva: United Nations", available at: http://www.unctad.org/en/docs/wir2005_en.pdf
51. World LNG to 2020(2004); **Ocean Shipping Consultants**, available at: <http://www.osclimited.com/lngto2020/brochure.pdf>